

تحلیل جامعه‌شناسانه رمان بازی آخر بانو بلقیس سلیمانی با بررسی موقعیت زنان در میدان‌های پی‌یر بوردیو

سمیه شرونی

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.
 رایانامه: s.sharooni@pgu.ac.ir

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|---|--|
| <p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۶</p> <p>واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی ادبیات پی‌یر بوردیو رمان بازی آخر بانو بلقیس سلیمانی</p> | <p>برخی رویکردها در جامعه‌شناسی ادبیات، رمان را برگردان زندگی روزمره در عرصه ادبی می‌داند؛ بنابراین رمان‌ها به عنوان آثاری ارزشمند در مطالعات جامعه‌شناسی ادبیات حائز اهمیت بسیاراند. بلقیس سلیمانی از جمله نویسندگانی است که در رمان بازی آخر بانو به داستان زندگی یک زن در دوره‌های مختلف همراه با تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه پرداخته است. در این پژوهش بر مبنای نظریه پی‌یر بوردیو-جامعه‌شناس و منتقد برجسته فرانسوی- به موقعیت زنان و سرمایه‌های شخصیت‌های زن و نیز میدان‌هایی که زنان در آن‌ها برای دستیابی به سرمایه‌های بیشتر وارد شده‌اند، پرداخته می‌شود.</p> <p>هدف از انجام پژوهش نشان دادن وضعیت زندگی زنان و انعکاس آن در آثار نویسندگان زن است. با به کارگیری این نظریه می‌توان تحلیل‌های عمیق‌تری از لایه‌های زیرین متن ادبی ارائه داد، ابعاد اجتماعی را بررسی کرد و به خوانش علمی‌تری از رمان دست یافت.</p> <p>روش انجام این پژوهش تحلیل محتوای کیفی و روایت‌شناسی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، مشهورترین میدان‌ها که زنان به آن وارد می‌شوند میدان علم و فراگیرترین میدان‌ها، میدان سیاست است. زنان در کسب سرمایه‌ها در میدان‌های مختلف کمک به یکدیگر و کنش‌های همدلانه را بر کنش‌های رقابت‌جویانه ترجیح می‌دهند. همچنین کسب سرمایه‌های فرهنگی در بالاترین سطح می‌تواند سبب کسب سرمایه نمادین، اجتماعی و نیز اقتصادی شود به گونه‌ای که سبب تغییر طبقه اجتماعی فرد گردد.</p> |

۱. مقدمه

نقش زنان از دیرباز در زندگی و دنیای ادبیات بارز و مشخص بود اما نه به شکل امروزی. در واقع زنانی که دارای طبقه و رتبه اجتماعی بهتری بودند از احترام بیشتری برخوردار می‌شدند و طبقه‌بندی اجتماعی نقش مهمی در نفوذ و منزلت اجتماعی داشت. (امامی؛ صحرایی، ۱۴۰۲: ۱۴۰). امروزه با توجه به نقش اساسی زنان در رشد و پیشرفت جوامع و به تبع آن ضرورت توجه به جایگاه و موقعیت آنان، ضرورت پرداختن به مطالعات زنان بیش از پیش آشکار است. (شرونی، ۱۴۰۴: ۱۶۳) و به واقع «ادبیات معاصر منبع مطالعاتی غنی پیرامون موضوع زن به شمار آمده و اشعاری که زنان در این حوزه سروده‌اند مستلزم توجه بیشتری است.» (باقری‌نیا، دشتی، ۱۴۰۲: ۱۶۳) امروزه بشر به این واقعیت رسیده که زن رکن اساسی جامعه بشری و شرط پویایی و استواری آن است. (بینگ، ۱۴۰۲: ۲۳۶) از این رو بازنشانی مطالعه وضعیت زندگی زنان در رمان دوره‌های زمانی مختلف نیازمند نگرش‌های تاریخی و اجتماعی است و رمان نیز از بهترین قالب‌ها برای مطالعات جامعه‌شناختی محسوب می‌شود. با مطالعه تاریخی و جامعه‌شناسانه رمان می‌توان تصویر روشنی از جامعه عصر نویسندگان و تغییر و تحولات جامعه ایرانی معاصر و دغدغه‌های زن ایرانی ارائه داد. در این میان آثار نویسندگان زن در پرداختن به وضعیت زنان و انعکاس مسائل و مشکلات آنان اهمیت قابل توجهی دارد.

به عقیده میرعبادینی «اهمیت آثار نویسندگان زن برخاسته از تجربه زیستی منحصر به فردی است که نویسندگان مرد نمی‌توانند آن را از سر گذرانده باشند. در حقیقت تأکید بر نویسندگی زنانه تنها برای توجه به تفاوت‌های زبان و دیدگاه این گروه از نویسندگان در برخورد با مشکلات اجتماعی است و گرنه در حوزه ادبیات، تفاوت جنسی ملاکی برای تقسیم‌بندی نوعی نیست و به قول ویرجینیا وولف، ادبیات فراتر از جنسیت است.» (میرعبادینی، ۱۴۰۰: ۱۷) نویسندگان زن کمابیش از زمان آغاز نوشتن، گونه ادبی رمان را از گونه‌های دیگر ادبی برتر شمرده‌اند و این فرم ادبی به صورت وسیله‌ای برگزیده درآمده است که زنان در گذشته نزدیک جنبه‌هایی از زندگی ج.ن.س.ی‌شان را با آن پژوهیده و منتشر کرده‌اند؛ جنبه‌هایی که پیش از این در پهنه هنر یا در جامعه به آن توجهی نمی‌شده است. (مایلز، ۱۳۸۰: ۳۸) ویرجینیا وولف در اتاقی از آن خود در این باره می‌نویسد: «اما زمانی که زن نویسنده شد تمام شکل‌های قدیمی‌تر ادبی کاملاً تثبیت شده بودند. تنها رمان آنقدر جوان بود که در دست‌های او شکل بگیرد و احتمالاً این دلیل دیگری برای رو آوردن او به رمان نویسی است.» (ولف، ۱۳۸۴: ۱۱۵) بنابراین نویسندگان زن رمان را به عنوان یک ابزار مناسب برای نشان دادن مسائل و دغدغه‌های خود به کار گرفتند. در ایران نیز داستان‌نویسی زنان

ایرانی از دهه ۱۳۳۰ شروع به شکل‌گیری می‌کند. در دهه چهارم تعداد داستان‌نویسان زن به شکل درخور توجهی افزایش یافت و داستان‌نویسان زن به طور جدی و به عنوان یک حرفه به امر نویسندگی پرداخته‌اند. در دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ دغدغه محوری نویسندگان زن مشکلات عاطفی زنان و تقابل آنها با سنت‌های جامعه مردسالار بود. در دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ زنان با عبور از مراحل چون احساسات‌گرایی افراطی به شناختی دیرگونه از هویت فردی و موقعیت خود در جامعه دست یافتند. (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۸۹)

بلیسی سلیمانی (۱۳۴۲) در رابر کرمان دیده به جهان گشود. پس از انقلاب در رشته فلسفه وارد دانشگاه تهران شد و در کلاس اساتید بزرگ این دانشگاه حضور پیدا کرد و درس آموخت. تمام سال‌های دانشجویی را کار کرد و در تهران ماندگار شد. از بلیسی سلیمانی تاکنون بیش از هشتاد مقاله و نقد منتشر شده است. آثار او در سه دسته رمان، داستان کوتاه و پژوهش ادبی منتشر شده‌اند. عناوین آثار او عبارتند از کتاب خاله‌بازی، به هادس خوش آمدید، پسری که مرا دوست داشت، سگ سالی، کتاب بازی آخر بانو، آن مادران این دختران، پیاده، من از گورانی‌ها می‌ترسم، بی‌پایانی، تخم شر، روز خرگوش، مارون، شب طاهره، نام کوچک من بلیسی، مجموعه داستان بازی عروس و داماد، هم‌نوا با مرغ سحر، هنر و زیبایی از دیدگاه افلاطون، بررسی وضعیت کمی و کیفی ادبیات داستانی دهه هفتاد، تفنگ و ترازو.

رمان‌ها و نوشته‌های او رنگ و بوی اقلیمی دارند و در تالیف رمان‌هایش دغدغه بومی‌گرایی دارد با بررسی رمان‌ها و نوشته‌های سلیمانی می‌توان دریافت که او روایتگر زندگی زنان و دغدغه‌های ریز و درشت آن‌هاست. از این رو در بیشتر رمان‌هایش، زن‌ها شخصیت محوری دارند و داستان درباره دغدغه‌ها و چالش‌های درونی و بیرونی زندگی آن‌هاست. در واقع بلیسی سلیمانی به‌گفته خودش، بیشتر درباره چیزهایی می‌نویسد که از آن‌ها شناخت و اطلاعات کاملی دارد. به همین دلیل موضوع رمان‌های او دغدغه‌ها و چالش‌های زنان است و روایتی زنانه دارند. از طرفی دیگر در برخی رمان‌های او ردپای وقایع سیاسی و تاریخی دهه ۶۰ نیز دیده می‌شود، زیرا به گفته خودش ماجراها و اتفاقات این دهه نیز دغدغه او بوده و درباره آن‌ها شناخت دارد. از جمله موفقیت‌های ایشان کسب جایزه ادبی مهرگان در سال ۱۳۸۵ و جایزه ادبی اصفهان در سال ۱۳۸۵ و نیز اعطای نشان درجه یک هنری در سال ۱۳۹۵ بود. سلیمانی در بازی آخر بانو دغدغه‌های یک دختر نوجوان روستایی را در سال ۱۳۵۹ برای ادامه تحصیل و ورود به دانشگاه، تلاش‌ها و مبارزه او با سنت‌ها و تغییر و تحولات زندگی قهرمان زن داستان را تا سال‌ها بعد نشان می‌دهد.

۱-۱. بیان مساله و سوالات پژوهش

در ادبیات سنتی، مدرن و پست‌مدرن، همواره بامقوله‌ای به نام زن روبه‌رو بوده‌ایم. زن در ادبیات کلاسیک ما معشوقی بود با قدی هم‌چو سرو، ابروانی کمان و... که در بهترین حالات عاشق او را در می‌خانه و خرابات ملاقات می‌کرد. در دورهٔ مدرن و به نسبت کمتر از آن در دورهٔ پست‌مدرن، زنان شاعر و نویسندگان رویکردهایی انتقادی را نسبت به جایگاه زن در ادبیات و جامعه در پیش گرفتند. (مرادی، ۱۴۰۱: ۲۷۱) در این پژوهش بر مبنای نظریهٔ پیر بوردیو-جامعه‌شناس و منتقد برجستهٔ فرانسوی- به مطالعهٔ سرمایه‌های شخصیت‌های زن در این اثر پرداخته می‌شود و میدان‌هایی که زنان در آن‌ها برای دستیابی به سرمایه‌های بیشتر وارد شده و گاه به مبارزه مشغول بوده‌اند، پرداخته می‌شود. در حقیقت با به کارگیری این نظریه می‌توان تحلیل‌های عمیق‌تری از لایه‌های زیرین متن ادبی ارائه داد، ابعاد اجتماعی را بررسی کرد و به خوانش علمی‌تری از رمان دست یافت.

اینکه رویکرد جامعه‌شناسانهٔ بوردیو چه وجوهی از دغدغه‌های زنان را بهتر آشکار می‌کند و اینکه میزان بهره‌مندی زنان از سرمایه‌های مختلف در میدان‌های پی‌یر بوردیو چگونه است را می‌توان از جمله سوالاتی برشمرد که این پژوهش به دنبال پاسخ مناسبی برای آنهاست.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

این پژوهش بر نقد جامعه‌شناسانهٔ رمان معاصر با تمرکز بر وضعیت زنان و مطالعهٔ موردی رمان بازی آخر بانو تمرکز دارد. اگر چه در پژوهش‌های معاصر نگاه جنسیتی در نقد و تحلیل رمان‌ها مورد توجه قرار گرفته است اما به نظر می‌رسد همچنان به پژوهش‌های نظریه‌محور بیشتری برای تحلیل زندگی زنان در رمان‌ها نیاز است.

۱-۳. پیشینهٔ پژوهش

متن رمان بازی آخر بانو نوشتهٔ یکی از نویسندگان زن پرکار ادبیات داستانی ایران در دهه‌های اخیر است که به انعکاس وضعیت زندگی زنان و مسائل و دغدغه‌های آنان در دههٔ شصت پرداخته است. مطالعهٔ پیشینهٔ پژوهش نشان می‌دهد این اثر تاکنون بر مبنای نظریه پی‌یر بوردیو در جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار نگرفته است؛ بنابراین در ادامه صرفاً به معرفی آثاری پرداخته می‌شود که تا حدودی در انجام این پژوهش راهگشا بوده است. این آثار به دو دسته تقسیم می‌شود:

نخست پژوهش‌هایی که بر مبنای رویکرد مذکور به آثار مختلف پرداخته است: شهرام پرستش (۱۳۹۰) در کتاب روایت نابودی ناب به تحلیل بوردیویی بوف کور در

میدان ادبی ایران پرداخته است. نویسنده در چارچوب نظریه میدان‌های اجتماعی پی‌یر بوردیو به نحوه تکوین میدان تولید ادبی در ایران و صورت‌بندی آن می‌پردازد. شرح این نظریه از مبادی آن آغاز می‌شود. تاریخچه نظریه میدان در فیزیک و روانشناسی و سپس در جامعه‌شناسی ادبیات بررسی می‌شود. ترسیم زمینه‌های تاریخی تمایز و ظهور میدان تولید ادبی (میدان‌های شعر و نثر به صورت جداگانه) از دیگر مطالب مورد بحث است. نویسنده پس از این به زندگی صادق هدایت و زمینه اجتماعی شکل‌گیری بوف کور می‌پردازد. جامعیت روایت نابودی در شرح و تحلیل نظریه بوردیو سبب شده تا این اثر از جمله مهم‌ترین منابع برای پیشینه پژوهش حاضر باشد. «نقد جامعه‌شناسانه سرمایه‌های زنان در رمان قصه تهمینه محمدعلی محمدی بر اساس نظریه انواع سرمایه پی‌یر بوردیو» مقاله‌ای است که توسط گلمرادی و همکاران (۱۳۹۳) به چاپ رسیده است. در این پژوهش به بازنمایی جایگاه زنان در رمان مذکور با بررسی انواع سرمایه‌هایی که برای زنان حاصل شده، پرداخته شده است. همچنین مریم حسینی و صدف گلمرادی (۱۳۹۵) «نقد جامعه‌شناسانه سرمایه‌های شخصیت‌های زن در رمان نیمه غایب بر اساس نظریه انواع سرمایه پی‌یر بوردیو» را نگاشته و به استراتژی‌های زنان برای تولید انواع سرمایه و بررسی تله‌های اجتماعی و حفره‌های ساختاری که مانع از قدرت گرفتن زنان در میدان رقابت است پرداخته‌اند. این دو مقاله برگرفته از رساله دکتری صدف گلمرادی با عنوان «نقد جامعه‌شناختی سرمایه‌های شخصیت زن در چهار رمان «دل فولاد»، «قصه تهمینه»، «انگار گفته بودی لیلی» و «نیمه غایب» بر اساس نظریه انواع سرمایه بوردیو است. «نقد جامعه‌شناختی نظریه سرمایه پی‌یر بوردیو و کاربرد آن در تحلیل رمان ایرانی» پایان‌نامه دیگری است که محمود ذباج نگاشته و در آن به بررسی آثاری چون جای خالی سلوچ، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، سال‌های ابری، سووشون و شوهر آهو خانم پرداخته است. در این پژوهش نیز سرمایه‌های شخصیت‌های داستان‌ها مورد مطالعه قرار گرفته و به نظریه میدان عمل توجهی نشان داده نشده است. ضمن این که پژوهش ایشان صورت عام دارد و آثار نویسندگان زن و مرد را دربرمی‌گیرد. مهدی خادمی کولایی و دیگران (۱۳۹۴) به «جامعه‌شناسی رمان خاله‌بازی از بلقیس سلیمانی بر مبنای نظریه پی‌یر بوردیو» پرداخته‌اند و انواع تولید و بازتولید ساختارهای فرهنگی جامعه (دهه شصت) را در میدان‌های گوناگون بررسی کرده‌اند. سمیه شرونی و محمد پارسانسب (۱۴۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «خوانش بوردیویی داستان بلند توبا از کبری سعیدی با تمرکز بر وضعیت زنان در جامعه ایران پیش از انقلاب اسلامی» به بررسی سرمایه‌های زنان و کنش‌های آنان در این اثر پرداخته‌اند. نتایج پژوهش بیانگر جایگاه فرودستی زنان در میدان‌های مختلف و ضعف انواع سرمایه‌های آنان در

جامعه ایران پیش از انقلاب است. این دو نویسنده (۱۴۰۴) همچنین در مقاله دیگری با عنوان «مسیر رنج زنان در جامعه سنتی ایران با تحلیل دو رمان سگ و زمستان بلند و طوبا و معنای شب بر اساس آراء پی‌یر بوردیو» با تمرکز بر میزان بهره‌مندی زنان از سرمایه‌های مختلف به وضعیت زندگی زنان در دو رمان مشهور شهرنوش پارسی‌پور پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نیز نشان می‌دهد زنان هرگز دست از تلاش برای بهبود جایگاه خود برنداشته‌اند و آنان نه تنها با سرمایه صفر بلکه گاه با سرمایه منفی نیز برای هویت‌یابی و بهبود جایگاهشان تلاش کرده‌اند. دسته دوم پژوهش‌هایی هستند که به رمان بازی آخر بانو از زویا و جنبه‌های مختلف پرداخته‌اند:

مونا هوروش (۱۳۹۳) «بازیگر کلمات: زنانگی، نمایشگری و آفرینش در رمان بازی آخر بانو» را نگاشته است و با استفاده از خوانش روانکاوانه پساساختارگرا و نظریه‌های فاز آینه و زنانگی لاکان و نظریه‌های تقلید، تفاوت و شکوفایی سوژه زنانه ابریکاری را بررسی کرده است. «شخصیت‌شناسی رمان بازی آخر بانو بلقیس سلیمانی بر اساس افلاک هفت گانه ویلیام بن هم» پژوهش دیگری است که فضل‌الله رضایی اردانی و آسیه ذبیح‌نیا عمران (۱۴۰۳) نوشته و بر مبنای یک رویکرد روانشناسانه به تحلیل ویژگی‌های شخصیت‌های داستان پرداخته‌اند. فاطمه رنجبر (۱۴۰۰)، «تأثیر جنسیت بر سبک داستانی بازی آخر بانو از بلقیس سلیمانی» را نوشته است و بر اساس دیدگاه‌های برخی پژوهشگران از جمله سارا میلز به بررسی و کشف نشانه‌های سبک زنانه و تأثیر جنسیت نویسنده در سه سطح واژگانی، نحوی و گفتمانی رمان پرداخته است. رؤفی و همکاران (۱۴۰۲) نیز در مقاله «فقر و رفاه: تحلیل رمزگان‌های اجتماعی در رمان بازی آخر بانو» تحول رمزگان‌های اجتماعی را در نتیجه تغییر شرایط از فقر به رفاه و جابه‌جایی طبقه اجتماعی سوژه را نشان داده‌اند.

چنانچه مشاهده می‌شود پژوهش حاضر با هیچ یک از پژوهش‌های موجود موازی نیست و از این حیث تازگی دارد. مطالعه در برخی از این پژوهش‌ها صرفاً می‌تواند از حیث اتخاذ رویکرد پژوهشی مناسب، مطمع نظر قرار گیرد.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. مبانی نظری

گستره اندیشه بوردیو، به‌ویژه تلفیقی که میان بعد نظری و عملی تفکر او وجود دارد با اصطلاحاتی همچون «عادت‌واره»، «میدان» و «سرمایه» گره خورده و قابل تبیین است. «میدان» برگردان واژه «لوشا» است که در زبان فرانسه به دشت گسترده گفته می‌شود. لوشا یا میدان همان قلمرویی است که گروهی از افراد جامعه را در خود جای می‌دهد. «برای اینکه

یک میدان فعالیت داشته باشد، لازم است که مسائل خاص و افرادی وجود داشته باشند که آماده بازی در این میدان باشند و از منشی برخوردار باشند که متضمن شناخت و بازشناسی قوانین درونی بازی و مسائل مطرح در آن است. مبارزاتی که در میدان جریان دارد بر سر انحصار خشونت مشروعی (اقتدار خاص) درمی‌گیرد که مشخصه میدان مورد نظر است؛ یعنی نهایتاً مبارزه بر سر حفظ یا براندازی ساختار یک سرمایه خاص است. صحبت از سرمایه خاص بدین معناست که سرمایه در رابطه با یک میدان مشخص ارزش پیدا می‌کند و در نتیجه در محدوده این میدان قرار می‌گیرد و به نوع دیگری از سرمایه جز در شرایط خاص قابل تبدیل نیست.» (بورديو، ۱۴۰۰: ۱۳۴ و ۱۳۵) «سرمایه به هر منبع کارآمد در یک فضای اجتماعی مفروض که فرد را توانا می‌سازد و به سود معینی از مشارکت یا رقابت برسد، اشاره دارد.» (شایان‌مهر، ۱۳۹۸: ۳۲) بورديو با پذیرش اصل مفهوم سرمایه و رقابت بر سر کسب آن معتقد است در کنار میدان اقتصادی، میدان‌های پرشمار دیگری هم هستند که از هم مستقل و جدایند. او بر خلاف مارکس، «سرمایه فرهنگی» را سرمایه مستقل و بسیار مهمی می‌داند که در طبقه‌بندی افراد نقش مؤثر و کلیدی دارد. این نوع سرمایه به همه دارایی‌های معنوی گفته می‌شود که دارندگان آن را از نظر معنوی و نمادین از دیگران متمایز می‌کند. این دارایی‌ها جنبه روشنفکرانه دارند. تحصیلات و مدارک تحصیلی سرمایه فرهنگی نهادهای است که به وسیله نهادهای رسمی به افراد داده می‌شود. آفرینش‌های هنری، قدرت سخن گفتن، فهم آثار هنری و مانند آن نمونه‌هایی از سرمایه فرهنگی‌اند. سرمایه دیگری که در میدان‌ها دست به دست می‌شود، «سرمایه اجتماعی» است. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از دارایی‌هایی است که دارندگان آن می‌توانند با استفاده از آن موقعیت‌های مناسب اجتماعی به دست آورند. روابط عمومی خوب، ارتباطات گسترده و اجتماعی بودن فرد از جمله سرمایه‌های اجتماعی‌اند که او را از دیگران متمایز می‌کند. چهارمین سرمایه‌ای که بر سر آن در میدان‌ها رقابت و ستیز وجود دارد، «سرمایه نمادین» است. سرمایه نمادین در حقیقت ویژگی‌هایی است که برای دیگران احترام برانگیز است. ویژگی‌ها و خصلت‌های نیکویی که جامعه آن را ارج می‌نهد و گرامی می‌دارد. هر دارایی و موقعیتی را که دیگران آن را به عنوان ویژگی متفاوت و برجسته به رسمیت بشناسند، سرمایه‌ای نمادین به شمار می‌آید. مدال‌ها، نشان‌ها، تقدیرها و هر کدام از سرمایه‌ها که می‌تواند موجب احترام و تمایز فرد شود، می‌تواند به عنوان سرمایه‌ای نمادین قلمداد شود. سرمایه نمادین دارایی‌های است که در جامعه در جریان است، فعالیت‌هایی که ارزش مادی ندارند، ولی ارزشمندند و به دلیل معنایی که تولید می‌کنند و جامعه آنها را به رسمیت می‌شناسد، به دارایی تبدیل شده‌اند. بورديو تحلیل‌های اقتصادی را از فهم این سرمایه

ناتوان می‌داند. (ایوبی، ۱۴۰۱: ۴۴ و ۴۵) بر اساس تعریف بوردیو از سرمایه، شخص و جامعه کنش‌های خود را در قالب این الگوی چهارگانه آشکار می‌سازند. بوردیو هم‌چنین به مفهوم عادت‌واره‌ها یا سلیقه‌هایی اشاره می‌کند که بر اساس موقعیت‌ها و شرایط اجتماعی متناسب با آن به وجود می‌آید.

همانطور که می‌دانیم به عقیده بوردیو عادت‌واره‌ها اصول تکثیرگر رفتارهای متمایزکننده-اند. آنچه که کارگر می‌خورد و به‌خصوص شیوه خوردن او، ورزشی که انجام می‌دهد و شیوه انجام آن، عقاید سیاسی که دارد و شیوه‌ای که برای ابراز آن در پیش می‌گیرد، به‌گونه‌ای نظام‌یافته از موارد مشابه آن نزد مدیرعامل‌های صنعتی متفاوت است. عادت‌واره‌ها میان آنچه خوب است و آنچه بد، آنچه ممتاز است و آنچه معمولی تفاوت می‌گذارند. (درویشعلی‌زاده، ۱۴۰۴: ۱۹۰) شایان‌مهر به نقل از بوردیو می‌نویسد: «عادت‌واره‌ها خصایصی پایدارند که فرد در جریان جامعه‌پذیری بر اساس موقعیت و مسیر اجتماعی آنها را درونی می‌کند. عادت‌واره‌های اولیه متأثر از شرایط کودکی است، اما به تدریج عادت‌واره نقش انطباق‌سازی با عملکردهای جامعه را به خود می‌گیرد.» (شایان‌مهر، ۱۳۹۸: ۴۷) به عقیده بوردیو «عادت‌واره‌ها هم به مانند مواضع و موقعیت‌های اجتماعی که مولد آن عادت‌واره‌ها هستند، تفاوت یافته‌اند؛ اما اینها، علاوه بر این «تفاوت‌گذار» هم هستند. علاوه بر اینکه متمایز و تمایز یافته‌اند، عوامل تمایز هم هستند. عادت‌واره‌ها میان آنچه خوب است و آنچه بد است، میان آنچه ممتاز است و آنچه معمولی است و... تفاوت می‌گذارند؛ نکته اصلی این است که این موارد نزد افراد و طبقات متفاوت یکسان نیست. هم‌چنین عقایدی که از طرف افراد یا گروه‌های اجتماعی مطرح می‌شود، صورت تفاوت نمادین به خود می‌گیرد.» (بوردیو، ۱۴۰۱: ۳۷) و نیز «کنشگر با عبور از کل و جزء و فرد و جامعه به عامل تبدیل می‌شود. کنش افراد در ساختارها، میدان‌ها، سرمایه و با سایر کسانی که در همان طبقه هستند هماهنگی برقرار می‌کند.» (شایان‌مهر، ۱۳۹۸: ۵۳) بوردیو بر این اساس نظریه کنش را مطرح ساخت. به عقیده او کنش‌های ما محصول «رابطه‌ای گنگ و دو پهلو» یا «رابطه‌ای ناخودآگاه» بین عادت‌واره و میدان است. بوردیو این رابطه را با استفاده از یک معادله چنین خلاصه می‌کند: {عادت‌واره} + {سرمایه} = کنش. بدین ترتیب کنش‌ها صرفاً نتیجه عادت‌واره فرد نبوده، بلکه نتیجه رابطه بین عادت‌واره شخص با وضعیت فعلی او هستند. (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۰۶-۱۰۷)

۲-۲. شرایط سیاسی و اجتماعی ایران پس از انقلاب اسلامی و وضعیت زنان

دهه شصت به دلیل شروع تغییر و تحولات سیاسی همچون انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی از دهه‌های حساس و مهم در تاریخ معاصر ایران است. «این دهه دربردارنده تلاش‌های مدون

برای تأسیس و استقرار نظام سیاسی جدید با ساز و برگ‌های ایدئولوژیکی است که نظم جنسیتی متناسب خود را رقم زده و در تغییرات اجتماعی ادوار پس از خود تأثیرات غیرقابل انکاری داشته است.» (شفیعی و حسینی‌فر، ۱۴۰۳: ۱۱۶) پس از جنگ با به کارگیری سیاست‌های تعدیل اقتصادی در چارچوب برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر میزان فقر موجود در جامعه و شکاف درآمدی بین طبقات مختلف افزوده شد. به ویژه دولت در ایجاد امکانات رانت‌خواری در سال‌های ۱۳۶۸ به بعد زمینه پیدایش نیروهای اجتماعی ثروتمند جدیدی را فراهم ساخت. (ازغندی، ۱۳۹۸: ۱۱۸)

پس از انقلاب دو گفتمان عمده درباره زنان شکل گرفت. گفتمان سنت‌گرای فقهی که در آن نشانه‌هایی مانند اسلام، خانواده، هویت انسانی، عواطف و احساسات، حجاب، نامحرم، تفاوت‌های ذهنی و فیزیکی حول دال مرکزی فطرت کنارهم مفصل‌بندی شده‌اند. این گفتمان در زمینه حقوق زنان بر این اصل استوار است که جنس زن از لحاظ ویژگی‌های زیست‌شناختی و روانشناسی تفاوت‌هایی با جنس مرد دارد و معتقد است هیچ تبعیضی بین زن و مرد در اسلام دیده نمی‌شود و اگر در برخی احکام حقوق متفاوتی برای مردان و زنان در نظر گرفته شده بر اساس شرایط نامساوی آن دو از حیث خصوصیات خلقتی و اجتماعی است که خود تکالیف متفاوتی را برای هر جنس موجب گردیده است. در این گفتمان با مباحث انحرافی فمینیسم مقابله می‌شود. گفتمان دیگر زنان گفتمان اصلاح‌طلبی است که برای پرورش مدیریت زنان در نهادهای مدنی و مشارکت آنان در احزاب، جلوگیری از به حاشیه رانده شدن زنان خانه‌دار و رفع موانع رشد زنان تلاش می‌شد. (کسرای و طهماسبی، ۱۳۹۴: ۱۷۳-۱۷۸)

اما آنچه که آشکار است آن است که وضعیت زنان در ایران از گذشته کم و بیش تابع فرهنگ پدرسالار یا مرد سالاری بوده و زندگی زنان را با خفقان اجتماعی همراه ساخته بود. فرهنگ مردسالارانه جامعه سنتی ایران دیدگاهی تحقیرآمیز نسبت به زنان داشت و محدود شدن فعالیت زنان به خانه‌داری و شوهرداری و ممنوع بودن فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان، از ویژگی‌های بارز جامعه سنتی ایران بود. (رمضان‌پور، ۱۴۰۰: ۶۲) که تا مدت طولانی و پس از تحولات نیز در ذهن و زبان بسیاری از مردم ماندگار بود؛ بنابراین زنان برای رسیدن به شرایط کنونی در دهه‌های مختلف تلاش‌های بسیاری کرده و سختی‌های فراوانی را از سر گذرانده‌اند.

۲-۱-۲. باز شناسی اجمالی رمان بازی آخر بانو

بازی آخر بانو روایت زندگی دختر یتیم روستایی به نام گل بانو است که تلاش می‌کند با درس خواندن، سرنوشتی متفاوت از مادرش و سایر دختران روستا برای خود رقم بزند و سرانجام

نیز موفق می‌شود. او از ازدواج با پسر عمویش در سال‌های مدرسه سر باز می‌زند تا رویای معلم شدن را دنبال کند؛ به دلیل فقر و تنگدستی و اصرار مادرش، مجبور به ازدواج با مرد ثروتمندی با نفوذ سیاسی فراوان می‌شود. گل بانو که همسر دوم آن مرد است پس از آنکه فرزندش به دنیا می‌آید با نفوذ سیاسی همسرش و با اتهامی بی‌اساس به زندان می‌افتد. همسرش او را طلاق می‌دهد و فرزند خردسالش را برای همیشه از او دور می‌کند. گل بانو پس از آزادی از زندان، خبر قبولی‌اش را در رشته فلسفه دانشگاه تهران می‌شنود. قهرمان زن داستان در طی کردن مسیر موفقیت با چالش‌ها و محدودیت‌های فراوان محیطی ناشی از سنت‌ها و نیز فقر و تنگدستی با چالش‌های فراوانی مواجه می‌شود اما او سرانجام به چیزی فراتر از آرزوی نوجوانی‌اش - که معلم شدن بود - دست می‌یابد و با عنوان دکتر، استاد فلسفه دانشگاه تهران می‌شود. سلیمانی در این اثر مسیر موفقیت یک زن را در جدال با موانع و محدودیت‌ها و نیز شوربختی و تنهایی و بی‌پناهی زنان دیگر را در یک محیط سنتی روایت می‌کند.

۲-۲-۲. شخصیت‌های زن رمان و میزان بهره‌مندی آنان از سرمایه‌ها

الف. گل بانو

اصلی‌ترین شخصیت داستان است که در میدان‌های مختلفی حضور پیدا می‌کند. میدان‌ها و سرمایه‌های متفاوت بر هویت او نیز تأثیر می‌گذارند. میدان اول خانواده پدری او در یک روستای دور افتاده در کرمان است. در این میدان او نام «گل بانو» را بر خود دارد. پدرش را از دست داده و با مادر و تنها برادرش زندگی می‌کند. خانواده او در فقر و تنگدستی بسیاری به سر می‌برد و در حقیقت گل بانو هیچ گونه سرمایه اقتصادی ندارد. مادرش در خانه یکی از اهالی روستا کلفتی می‌کند و نیز مرده شور روستا است و بدین طریق هزینه زندگی را تأمین می‌کند. گل بانو دختری نوجوان و شاگرد اول کلاس دوم راهنمایی است که رویایی بزرگ شدن، پیشرفت و معلم شدن را در سر می‌پروراند. (سلیمانی، ۱۴۰۳: ۳)

گل بانو بر اساس منش و عادت‌های که از زندگی در یک خانواده سنتی روستایی در او شکل گرفته از تنها شدن با نامحرم‌ها واهمه دارد و تلاش می‌کند در چنین موقعیتی قرار نگیرد حتی اگر پسر همسایه یا پسر عموی او باشد. عادت‌واره ترس و تلاش برای حفظ آبرو در محیط کوچک و سنتی روستا سبب کنش امتناع و دوری او از همکلام شدن با پسر عمویش می‌شود. شرم و خجالت دیگر عادت‌واره‌های دختر نوجوان روستایی است. او نمی‌تواند اعتراض کند یا نظر مخالفش را بیان کند. گل بانو اما سرمایه فرهنگی دارد و کتاب‌هایی با موضوعات مختلف را مطالعه می‌کند. «بسته روزنامه پیچ آقای محمد جانی را باز می‌کنم. این سومین بسته‌ای

است که از اول تابستان تا حالا برایم آورده است. منیر خانم می‌گوید: خواندی محمدجانی می‌آد می‌برتشون. روی جلد کتاب‌ها را می‌خوانم: نفرین زمین - جلال آل احمد، اسلام‌شناسی - دکتر علی شریعتی، دختر رعیت - م.ا. به آذین...» (ص ۷)

گل بانو با اختر اسفندیاری دختر دانشجویی در روستا آشنا می‌شود. اختر که مشوق گل بانو برای درس خواندن است، به او کتاب‌های بیشتری هدیه می‌دهد. در آن دوره و در میدان خانواده در روستایی دورافتاده، آشنایی و ارتباط با اختر و خانواده آقای محمدجانی، تنها سرمایه‌های اجتماعی گل بانو محسوب می‌شود. اختر و برادرش که در تشکل‌های چپ‌گرا فعالیت می‌کنند کشته می‌شوند. پس از مرگ اختر، گل بانو به ترس و کابوس‌های شبانه مبتلا می‌شود. در مدرسه نیز مدیر و معاون که می‌توانستند سرمایه اجتماعی گل بانو باشند او را به دلیل آشنایی با اختر، سرزنش می‌کنند و با القای حس بی‌اعتمادی، عادتواره ترس را که در میدان خانواده در او شکل گرفته را تقویت می‌کنند:

«...پشت سرش وارد دفتر می‌شوم، خانم راستی توی چشم‌هایم زل می‌زند. سرم را می‌اندام پایین. «بنشین». روی صندلی فلزی می‌نشینم. خانم عزیزی در دفتر را می‌بندد. ضعف از پاهایم شروع می‌شود. احساس خفگی می‌کنم. خانم راستی می‌گوید: اگر شاگرد اول نبودی، ثبت نامت نمی‌کردم. چیزی نمی‌گویم. «درسته گواهی پزشکی آوردی ولی من مسئولیت دارم، بالاخره بیماری روانی کم چیزی نیست» خانم عزیزی می‌گوید: بعضیا میگن بخاطر اعدام این دختره، کی بود اسمش، اختر اسفندیاری به این روز افتادی. چیزی نمی‌گویم. خانم راستی می‌گوید حالا می‌خوام از زبون خودت بشنوم. می‌خوام بدونم چی شد اینجوری شد. می‌دانم اگر رابطه‌ام را با اختر انکار کنم بیشتر پایچم می‌شوند. خانم مادرمون تو خونشون کار می‌کرد. یعنی ما خودمون بعضی وقتا براشون کار می‌کردیم. گاهی که شاگرد اول می‌شدیم برامون روسری، گل سر یا دمپایی می‌آورد. بخاطر همی چیزا... ما دوستش داشتیم. وقتی کشتنش خیلی ناراحت شدیم. بخاطر همین. خانم عزیزی می‌گوید برا یه بچه فنودال ناراحت شدی؟ چیزی نمی‌گویم... خانم عزیزی می‌گوید: حالا اینجا گفتی، جای دیگه‌ای نگی‌ها، آدم که بخاطر یه ضد انقلاب روانی نمی‌شه. پاهایم را جمع می‌کنم. حالت تهوع دارم. می‌گویم خانم حالا ما که به شما نمی‌تونیم دروغ بگیم. (همان: ۱۹)

بی‌اعتمادی سرمایه اجتماعی را تضعیف می‌کند و گل بانو علاوه بر میدان مدرسه در میدان خانواده نیز سرمایه اجتماعی چندانی ندارد چون او به مادرش نیز بی‌اعتماد است. (ص ۵۲)

گل بانو سرانجام به دلیل اصرار و فشارهای مادرش با مردی که اختلاف سنی و عقیدتی بسیاری با او دارد ازدواج می‌کند. حاج آقا رهامی، مردی است که برای تخریب مزار اختر اسفندیاری به روستا آمده و پس از آن به برگزاری کلاس‌های عقیدتی برای دانش‌آموزان

می‌پردازد. با گل بانو آشنا می‌شود و در حالی که خود همسری دارد، تصمیم به ازدواج مجدد با این دختر جوان می‌گیرد و این ماجرا را تکرار اتفاق شیخ صنعان برای خودش می‌داند. گل بانو که در حقیقت هیچ علاقه‌ای به این مرد ندارد، به دلیل فقر زیاد خانواده‌اش و همچنین موقعیت مناسب اجتماعی و سیاسی این مرد، تحت فشار مادرش به ازدواج با حاج آقا رهامی رضایت می‌دهد و به میدان جدیدی وارد می‌شود. گل بانو در میدان جدید از سرمایه اقتصادی برخوردار می‌شود اما اصلاً تمایلی به این سرمایه ندارد. (ص ۹۹)

گل بانو که هیچ علاقه‌ای به همسرش ندارد تلاش می‌کند او را از خود برنجاند و دور کند. (صص ۹۸-۱۰۰) او در میدان جدید نیز هیچ سرمایه اجتماعی ندارد، از مادرش نیز نفرت دارد و نمی‌داند باید به چه کسی پناه ببرد، اما این ازدواج باعث بهبود زندگی خانواده گل بانو (مادر و برادرش) شده است. در حقیقت رابطه مستقیم سرمایه نمادین با سرمایه اقتصادی سبب می‌شود تا مادر گل بانو مورد توجه و احترام همه اهالی روستا قرار گیرد در حالی که قبل از آن فاقد هر گونه سرمایه نمادینی بود. اهمیت، احترام و توجه به گل بانو نیز پس از ازدواج با حاج آقا رهامی بیشتر شده است:

«گل بانو خانم اگه می‌فهمیدم کارتون تعجیلیه و به ای زودی تموم می‌شه، وامی‌سادم، برتون می‌گردوندم. باعث زحمت شدم. شما جای خواهر ما هستین، ای چه حرفیه، ایه یه موقع با بی بی خاور کاری داشتین، یه پیغوم بدین خودم میام خدمتون، لازم نیست شما ای همه راهو بیان، ما هم جا برادر شما. - ممنونم آقا موسی، خدا از برادری کمتون نکنه. این سه ماه چه اتفاقی افتاده بود، چرا همه تغییر کرده‌اند، به یاد زمستانی می‌افتم که موسی روی تراکتور حاج ابراهیم کار می‌کرد، برف تا بالای زانو رسیده بود. جاده یخ بسته بود، انگشت‌هام توی چکمه‌های لاستیکی زق زق می‌کرد. نوک دماغم بی‌حس شده بود. با دخترهای دیگر تا نیمه راه آمده بودیم که صدای موتور تراکتور را شنیدیم، همه برگشتیم و منتظر شدیم تا تراکتور رسید. پسرها که جلوتر از ما بودند به طرف تراکتور دویدند. تراکتور ایستاد، موسی فریاد زد نفری پنج قرون. اونهایی که پول داشتند اول از همه سوار شدند. من و ملیحه ماندیم. می‌دانستم ملیحه برای خودش پول دارد اما بخاطر من سوار نمی‌شود. وقتی همه سوار شدند، موسی فریاد زن دختر مش قاسم چرا سوار نمیشی؟ ملیحه گفت پنج قرون ندارم. موسی گفت: حالا کی از تو پول خواس؟ ملیحه به من نگاه کرد، اشتیاق سوار شدن را در چشم‌هایش می‌دیدم. گفتم برو بالا، من میام. گفته نه، ما میایم، چیزی نموده. به من نگفت، به موسی گفت. موسی گفت به جهنم، هر دوتاتون سوار شین... سی تومان می‌گذارم روی داشبورد وانت موسی، هر چه تعارف می‌کند پس نمی‌گیرم.» (صص ۱۰۷-۱۰۶)

گل بانو با وجود داشتن سرمایه اقتصادی و حضور یک کلفت در خانه‌اش به دلیل منش و عادت‌های او که به واسطه زیستن در میدان خانواده پدری در او تثبیت شده، نمی‌تواند از کلفت خود بخواهد تا کاری را برای او انجام دهد.

گل بانو همچنین حضور بسیار کم رنگ و ناآگاهانه‌ای در میدان سیاست داشته است که همین حضور کم رنگ و رفاقتش با اختر اسفندیاری سبب می‌شود، درست چند روز پس از به دنیا آمدن فرزند خردسالش به زندان بیفتد و همسرش که مهم‌ترین سرمایه اجتماعی اوست در زندان او را طلاق دهد. (ص ۱۲۹) نمی‌توان از حضور و نقش گل بانو در میدان سیاست نوشت چرا که کنش‌های سیاسی او کاملاً ناآگاهانه است:

«شما و مادرت در شهریور ۱۳۵۹ همراه با گروهی از چریک‌های فدایی خلق جنازه‌های اختر و امیر اسفندیاری را جا بجا کردی، غسلخانه شمس‌آباد را خراب کردید و مأموران را سردرگم کردید... من اونوقت فقط شانزده سالم بود، مادرم دست تنها بود، دوست‌های اختر و امیر ترسیده بودند... بگو مریض شدی، بگو بیمارستان بستری شدی، بگو مجبورت کردند. بگو مادرت کلفت عزیزالله بگ بود، ناچار بود به حرف اربابش گوش بدهد. بگو نان خورشان بودید.»
(ص ۱۳۶)

پس از آنکه بی‌اطلاعی و بی‌گناهی گل بانو و انجام ناخواسته فعالیت‌های سیاسی او آشکار می‌گردد گل بانو از زندان آزاد می‌شود در حالی که همسرش او را طلاق داده و دادگاه او را مادری فاقد صلاحیت نگهداری از فرزند، تشخیص داده است. گل بانو تنها و بی‌پناه خبر پذیرشش را در رشته فلسفه دانشگاه تهران می‌شنود تا به میدان دانشگاه وارد می‌شود. گل بانو پس از سال‌ها فعالیت در میدان علم و ادامه تحصیل در مقاطع مختلف، سرانجام به عنوان دکتر محمدجانی به تدریس فلسفه در آن دانشگاه می‌پردازد و علاوه بر تدریس فلسفه و به برگزاری کلاس‌های داستان‌نویسی نیز می‌پردازد و شاگردان بسیاری دارد که سرمایه‌های اجتماعی ارزشمند او محسوب می‌شوند. در حقیقت حضور در میدان دانشگاه سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و نمادین گل بانو را به طرز چشم‌گیری افزایش می‌دهد تا به عنوان یک زن موفق در جامعه نقش آفرینی کند. تلاش‌های دختر ییتیم در یک وضعیت اقتصادی نابسامان در یک روستای دورافتاده با محدودیت‌های بی‌شمار سنت و اجتماع کوچک اطرافش، در زمینه علم آموزی موجب کسب سرمایه‌های فراوان و تغییر طبقه اجتماعی او می‌شود، چرا که طبقه‌بندی اجتماعی بر اساس میزان دسترسی به سرمایه‌ها صورت می‌گیرد.

ب. اختر اسفندیاری

دیگر شخصیت زن داستان، دختر عزیزالله بگ از اهالی ثروتمند روستا است. اختر به همراه برادرش امیر در تهران تحصیل می‌کند. او در میدان خانواده بهره‌مند از سرمایه اقتصادی فراوان، به میدان علم در دانشگاه وارد می‌شود اما پس از پیوستن به احزاب سیاسی، حضور او در میدان سیاست، نقش او را به عنوان یک دانشجو در میدان علم تحت شعاع قرار می‌دهد. اختر علاوه بر حضور فعال در میدان سیاست، هرگز تلاشی برای وارد کردن گلبانو- که حرف‌شنوی بسیاری از او دارد- برای ورود به میدان سیاست نمی‌کند و تنها مشوق اصلی گل بانو برای درس خواندن و جدیت در تحصیل است. او سرانجام به همراه برادرش در راه دستیابی به اهداف حزب کشته می‌شود تا به عقیده متحده خود در حزب، کشته راه عدالت باشد. «سینی حلوا را روی قبر اختر می‌گذارم؛ طوری که نوشته روی سنگ را نپوشاند کشته راه عدالت. اختر اسفندیاری. تولد: ۱۳۳۶/۶/۲ مرگ: ۱۳۵۹/۵/۳۰.» (ص ۲) گاه دختران دانشجو در میدان سیاست کنش‌های آگاهانه‌ای دارند. «دختر جوانی که روسری سرمه‌ای به سر دارد بلندگو را از مجری می‌گیرد و انگشت‌های کشیده‌اش دور بلندگوی کوچک حلقه می‌شود. مانتوی کوتاهش تا بالای زانوست. صدایش می‌لرزد و می‌غرد: «امروز هفت روز است که ما هم‌زمانمان را به خاک سپرده‌ایم، امروز هفت روز است که آنها به دامان مادرشان، خاک، بازگشته‌اند... اینکه به هم‌زمان به خاک خفته‌مان می‌گوییم: اختر نازنین و امیر عزیز، ما در این ساعت و این مکان و همراه با خلق زحمتکش ایران با شما پیمان می‌بندیم که نگذاریم خون شما پایمال شود. ما تا رسیدن به جامعه‌ای آزاد و آباد مبارزه را ادامه خواهیم داد. دختران و پسران غریبه که بیشتر در حاشیه مجلس هستند دست می‌زنند...» (ص ۲)

ب. مادر گل بانو

زنی روستایی و وفادار به سنت‌هاست که پس از فوت همسرش مسئولیت اداره خانه را بر عهده دارد و دچار فقر و تنگدستی بسیار است. او اساساً درباره اهمیت سواد و مطالعه چیزی نمی‌داند. تنها موفقیت‌های تحصیلی دخترش برای او هیچ اهمیتی ندارد، بلکه به درس خواندن او معترض است و معتقد است: «همی کتابا باعث جوونمرگی اختر بدبخت شد.» (ص ۷) در حقیقت بی‌بی خاور به دلیل تجربه تلخ مرگ اختر، از حضور دخترش گل بانو در میدان علم هراس دارد. بی‌بی خاور بار مسئولیت زندگی و تأمین معاش دو فرزند یتیمش را بر دوش می‌کشد و به دلیل عدم دسترسی به سرمایه اقتصادی و مشکلات معیشتی، کسب سرمایه فرهنگی را بی‌ارزش می‌داند. (ص ۷ و ۸) به نظر می‌رسد او سرمایه نمادین بسیاری داشته است: «مادر شما را نمی‌شناسم اما مادر من تونسته یک افسر ارتش رو که پدرم باشه گماشته

خودش بکنه.» (ص ۳۶) به نظر می‌رسد او نسبت به سرنوشت فرزندش حساسیت چندانی ندارد و دغدغه‌اش تنها این است که نان خوری را از سفره کم کند؛ بنابراین به هر شیوه‌ای متوسل می‌شود تا زمینه ازدواج گل بانو را فراهم کند. با زاری و التماس تلاش می‌کند، که رضایت مدیر مدرسه را برای عقد هر چه سریعتر گلبانو به دست آورد و پس از مخالفت مدیر، به تهدید و نفرین متوسل می‌شود:

«اون کسی رو نداره آقای مدیر، همه امیدش به شماس، باید قسم بخورین برمی‌گردین. - این چه حرفیه بی بی خاور، من خیر از جوونیت نبینی اگه با بخت و اقبال ای دختر بازی کنی... بی بی خاور بلند می‌شود، یک لحظه جلو در می‌ایستد و می‌گوید قرآن کمر اون بزنه که...» (ص ۷۵ و ۷۶)

زاری و التماس برای رسیدن به هدف، عادتواره‌ها و توسل به نفرین سرمایه‌های فرهنگی منفی بی بی خاور هستند. در نهایت نیز به طمع دست یافتن به پول بسیار دخترش را به ازدواج با مردی که اختلاف سنی بسیاری دارد و جای پدر اوست، راضی می‌کند و در حقیقت با دریافت شیربها، گل بانو را به او می‌فروشد:

«غروب یک روز تابستانی به مغازه‌اش رفتم. بسته پنج هزارتومانی روی یک کفه ترازوی مغازه‌اش گذاشتم و گفتم این شیربها، یک سر سوزن هم نمی‌خواهم. مادرت اسکناس‌ها را سریع از توی ترازو برداشت و جایی زیر آن میز لکنته پنهان کرد. گفت: شیربها رسمه ولی هر دختری یه بهایی داره، گل بانوی من قیمتش خیلی بالاتر از ای حرفاس» (ص ۱۴۷)

بی بی خاور پس از ازدواج دخترش، با شنیدن حرف‌های او درباره نارضایتی از زندگی‌اش به جای آنکه حامی دختر یتیم و بی‌پناه خود باشد، از آبرو دم می‌زند و دخترش را مجبور می‌کند که زندگی مشترک را در هر شرایطی تحمل کند. «تو اگه آبرو نداری، به فکر آبروی او بنده خدا باش... برو بچسب به زندگیت، یه لقمه بخور صدتا لقمه صدقه بده...» (ص ۱۰۵)

۲-۲-۳. بررسی و تبیین میدان‌های رمان

در بازی آخر بانو نویسنده به توصیف دو فضا و محیط و کنش‌های شخصیت‌ها در این دو محیط (میدان) می‌پردازد:

الف. محیط بسیار محدود زندگی روستایی در سایه سنگین سنت‌ها و برتری مردان و سکوت و انزوا و تسلیم زنان در میدان خانواده:

زنان در این محیط در فقر و محرومیت محیط کوچک روستا سرمایه چندانی ندارند و به شیوه زندگی مادر و مادر بزرگشان زندگی می‌کنند. آنان حق چندانی در زندگی برای خود قائل نیستند و مطیع همسرانشان هستند. مردان قدرت برتر هستند و به راحتی به همسرانشان

ظلم می‌کنند و تجربه‌های تلخ زنان در ارتباط با همسرانشان، سبب بی‌اعتمادی آنان نسبت به مردان می‌شود:

«معصومه می‌گوید: یه چیزی بشت می‌گم، ناراحت نشی، من که می‌گم ای نامرد تو رو بری بچه می‌خواستی، بعدشم برات پاپوش درست کرده و بچه را ورداشته رفته پیش زن اولش، دایی مادرم خدایبامر ز همین کار را کرد. زن گرفت، بچه دار که شد، به زن بدبخت بهتون ناموسی زد از خونه بیرونش کرد. بعد همون زن اولش رو آورد سر خونه و زندگیش...» (ص ۱۳۷) در چنین شرایطی تنها دارایی زنان بی‌پناه رها شده، سرمایه فرهنگی (اعتقادات مذهبی) و خواندن دو رکعت نماز حاجت و یا استفاده از سرمایه‌های فرهنگی منفی چون نفرین و آرزوی ذلت و مرگ برای مردانی است که به آنان ظلم کرده‌اند.

در میدان روستا، گاه تفاوت قابل توجهی در سرمایه‌های اقتصادی مردم وجود دارد. مادر گل بانو کلفت خانواده عزیزالله بگ است. او حتی با وعده دریافت پول از عزیزالله بگ شبانه به نبش قبر اختر و امیر می‌پردازد تا اجساد را به باغ خانوادگی آنان منتقل کنند. در حقیقت او به دلیل برخوردار نبودن از سرمایه اقتصادی و تلاش برای کسب آن حاضر به انجام کارهایی با ریسک بالا و غیرقانونی می‌شود. همچنین در این میدان، افراد سرمایه اجتماعی چندانی ندارند. آنان به طور معمول وضعیت مشابهی دارند و سرمایه اجتماعی آنان محدود به ارتباط با افرادی است که از شهر آمده‌اند. سرمایه فرهنگی افراد نه تنها ناچیز است بلکه آنچه در رویکرد بوردیو به عنوان سرمایه فرهنگی شناخته می‌شود، در میدان روستا فاقد ارزش است و در میان انواع سرمایه، تنها سرمایه اقتصادی ارزشمند تلقی می‌شود.

ب. محیط زندگی شهری و فعالیت زنان در میدان علم و سیاست

در شهر اما شرایط متفاوت است. زنان به میدان سیاست وارد می‌شوند و این حضور گاهی آگاهانه و گاهی ناآگاهانه است که توسط مردان صورت می‌گیرد و نارضایتی زنان را به دنبال دارد: «من جزو اولین زن‌های سیاسی این خراب شده بودم. زن دکتر ابهری. دکتر خدا نیامرز مرا آلوده سیاست کرد. او بود که جوانی‌ام را به سیاست فروخت... ما زن‌ها که عده‌مان کم بود، بیشتر برای تزئین مجالس انتخاب شده بودیم. این را از نگاه‌هایی که گاه ساق پاهیمان را هدف قرار می‌داد می‌فهمیدیم...» (ص ۱۶۹)

گاه نیز کنش‌های سیاسی زنان کاملاً آگاهانه است و در حقیقت آنان با حضور در میدان سیاست، سنت پرده‌نشینینی دختران هم‌سال و مادران‌شان را در هم شکسته‌اند. «دختر جوانی که روسری سرمه‌ای به سر دارد بلندگو را از مجری می‌گیرد... در اینجا، در حضور عزیزان خفته در خاکمان که شاهدان تاریخ هستند، به مراقبان شب و سیاهی و ظلمت

می‌گوئیم: شب رسوا خواهد شد، سحر نزدیک است.. جوانان غریبه با سر و صدا دست می‌زنند...» (ص ۳)

محیط شهر همچنين به زنان امکان حضور و فعالیت در میدان علم (دانشگاه) می‌دهد. گل بانو اصلی‌ترین شخصیت در میدان علم است که به عنوان استاد فلسفه و نیز مدرس کارگاه‌های فعالیت می‌کند. او در کلاس داستان‌نویسی شاگردان بسیاری دارد که از یکی از شاگردان موفق به نوشتن یه داستان (بازی آخر بانو) می‌گردد. در این کلاس‌ها دختران در کنار پسران با عنوان «دانشجو» حضور پیدا می‌کنند، در کنار یکدیگر به فعالیت علمی می‌پردازند و بر خلاف سنت‌های مسلط در میدان اجتماع روستا، مردان قدرت برتر نیستند و چه بسا که زنان در فعالیت‌هایشان در میدان علم از مردان پیشی می‌گیرند. در حقیقت قهرمان زن داستان که نماینده طبقه پایین و محروم جامعه است، موفق می‌شود به عنوان کنشگری فعال در میدان علم حضور خود را به اثبات می‌رساند و موفق به کسب انواع سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، نمادین و نیز تا حدودی سرمایه اقتصادی می‌گردد.

۲-۲-۴. میدان دولت و نقش دولت در میزان بهره‌مندی از سرمایه‌ها

به عقیده بورديو مهم‌ترین امتیاز دولت در انحصار داشتن سرمایه بسیار مهمی به نام سرمایه نمادین است. در بازی آخر بانو حاج آقا رهامی که نماینده دولت و سیاست در روستاست به دلیل برخورداری از قدرت نمادین فراوان، نخست با تخریب مزار اختر و امیر، سلطه و قدرت خود را به مردم روستا نشان می‌دهد و به عنوان نماینده دولت مطابق با دیدگاه بورديو عمل می‌کند. بورديو در این باره معتقد است: «دولت با بهره‌گیری از اقتدار نمادین خود، روابط عینی بیرونی سلطه را به بخشی از وجود و ضمیر ناخودآگاه یا خیم عاملان اجتماعی تبدیل کرده است. (بورديو، ۱۴۰۱: ۶۳) دولت‌ها با استفاده از دستگاه فرهنگی و به ویژه نظام‌های آموزشی خود، روابط سلطه را در روح و جان طبقه‌های زیرپله می‌نشانند. این دولت‌ها هستند که با دادن لقب‌ها، نشان‌ها، افتخارات، مدارک و پست‌ها، مهم‌ترین عامل «تمایزها» می‌شوند و دولت‌ها با انحصاری کردن این قدرت‌ها به «خدای روی زمین» تبدیل می‌شوند. (همان: ۶۷) در این اثر نیز آقای رهامی با عنوان «حاج آقای رهامی» از سایر مردم عادی متمایز می‌شود تا سرمایه نمادین در ذهن و ضمیر ناخودآگاه مردم بیشتر شود. او سپس به عنوان مدرس به برگزاری کلاس‌های فرهنگی برای دانش‌آموزان می‌پردازد و این‌گونه سلطه خود را در میدان قدرت به طبقات پایین جامعه تحمیل می‌کند. بورديو در مطالعات دولت از نظریه میدان‌های خود بهره می‌گیرد. از دیدگاه او دولت در درجه نخست یک میدان است. در درون این میدان نیز منابع، سرمایه‌ها،

مذهب، موضوعات و قواعد بازی یکی نیست. در این میدان هم مانند دیگر میدان‌ها سرمایه‌های مهمی مانند قدرت، کرسی‌ها و سمت‌ها در گردش است. میدان دولت ابرمیدان و سرمایه‌اش ابرسرمایه است. صاحبان موقعیت‌های مهم در دولت می‌توانند بر همه میدان‌های دیگر اثرگذار باشند و روابط قدرت در فضای اجتماعی و درون همه میدان‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهند. (بوردیو، ۱۴۰۱: ۶۸ و ۶۹) در بازی آخر بانو، حاج آقا رهامی و برادر زنش به دلیل نفوذ فراوان و بهره‌مندی از سرمایه نمادین بسیار در میدان دولت، توانایی تأثیرگذاری بر میدان علم را دارند با اظهار نظر منفی درباره گل‌بانو و اشاره به مسأله‌دار بودن او مانع از پذیرشش در دانشگاه می‌شوند.

حاج آقا رهامی در آغاز نیز به دلیل بهره‌مندی از ابرسرمایه اقتصادی در میدان دولت می‌تواند با مادر گل‌بانو (زنی بینوا و تنگدست) بر سر به دست آوردن دخترش معامله کند: «غروب یک روز تابستانی به مغازه‌اش رفتم (بی بی خاور، مادر گل‌بانو) رفتم. پنج بسته ده‌هزار تومانی روی یک کفه ترازوی مغازه‌اش گذاشتم و گفتم: این شیربها. مادرت اسکناس‌ها را تند از توی کفه ترازو برداشت.» (سلیمانی، ۱۳۸۴: ۲۰۷)

۳. نتیجه‌گیری

بازی آخر بانو روایت نوجوانی، جوانی و میانسالی یک زن است و با محوریت وضعیت زندگی زنان در دو دهه شصت و هفتاد. مطالعه وضعیت زندگی زنان با بررسی میدان‌ها در نظریه پی‌یر بوردیو نشان می‌دهد، حضور زنان در برخی از میدان‌ها از جمله میدان عشق و نیز تا حدودی میدان سیاست اجباری است. ازدواج زنان در محیط کوچک روستای محصور در سنت‌ها در دهه شصت، گاه کاملاً بخاطر سنت‌ها و نه عشق و علاقه بوده است. آنان در چنین شرایطی به طور معمول فاقد هر گونه سرمایه قابل توجهی هستند. در بسیاری از موارد پیش از آنکه زنان تلاشی برای ورود به میدان‌ها و رقابتی برای کسب سرمایه بیشتر داشته باشند، میدان‌ها آنان را در بر می‌گیرند. از جمله اینها، میدان سیاست که زنان در آن کنشگران فعالی نیستند. اختر پس از ورود به آن میدان کشته می‌شود و حضور گل بانو در آن میدان کاملاً ناآگاهانه است و همین حضور ناآگاهانه تأثیر منفی بسیاری بر زندگی‌اش دارد. در حقیقت حضور موفقیت‌آمیز او در میدان علم تحت‌الشعاع فعالیت ناآگاهانه سیاسی‌اش قرار می‌گیرد چرا که دولت به عنوان یک ابر میدان مطرح است و افراد صاحب نفوذ در دولت صاحب ابر سرمایه‌هایی هستند که می‌توانند به وسیله دسترسی به آنها بر سایر میدان‌ها اثر بگذارند و اینگونه بر زندگی زنان و طبقه پایین جامعه اعمال قدرت کنند. در حقیقت فضای سیاسی دهه شصت و تنوع و تعدد احزاب، سیاست را به عنوان میدانی در جامعه مطرح می‌کند که

خواسته یا ناخواسته زندگی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد کنش‌های زنان در میدان‌های مختلف بیش از آنکه بر اساس نظریه بوریو، رقابت‌جویانه باشد، همدلانه است و شخصیت‌های زن داستان در تلاش‌اند برای به دست آوردن سرمایه به یکدیگر کمک کنند.

اصلی‌ترین دغدغه زنان جوان و تحصیل‌کرده تلاش برای علم‌آموزی، کسب آگاهی و آگاهی بخشیدن به دیگران و در حقیقت تلاش برای کسب سرمایه فرهنگی است. نکته قابل توجه در بررسی سرمایه‌های زنان آنکه آنان علاوه بر محدودیت‌های جدی بسیار در فضای مردسالارانه و گاه خشونت‌آمیز جامعه و تسلط مردان بر زندگی آنان، همواره در تلاش برای بهبود جایگاه خود بوده‌اند و گاه موفق به کسب سرمایه‌های ارزشمند فراوانی می‌شوند. قهرمان زن داستان در این اثر در حالی که هیچ حامی در زندگی خود ندارد و در خانواده پدری فاقد هر گونه سرمایه‌ای است، با تلاش و کسب سرمایه‌ها، پایگاه و طبقه اجتماعی خود را ارتقا می‌بخشد و در پایان داستان به بالاترین سطح از انواع سرمایه‌های فرهنگی، نمادین و تا حدودی اجتماعی و اقتصادی دست می‌یابد. همچنین به نظر می‌رسد بهبود جایگاه زنان و دسترسی آنان به سرمایه‌ها، پیش از آنکه ناشی از تغییر و تحولات اجتماعی باشد، ناشی از تلاش‌های زنان، مقاومت و عدم تسلیم آنان در برابر محدودیت‌ها و سنت‌های مردسالارانه جامعه بوده است.

توضیحات:

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مصوب شماره ۴۰۱۴۹۱۱ و با حمایت مالی بنیاد علم ایران- صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران- انجام شده است.

کتاب‌شناسی

- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۸)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، چاپ سوم، تهران: قومس.
- امامی، سعید؛ صحرایی، قاسم (۱۴۰۲)، «بررسی رابطه طبقه اجتماعی با اخلاق زنان در حکایات کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره اول شماره ۲، صص ۱۵۳-۱۳۹
- باقری‌نیا، حدیث؛ دشتی، فرزانه (۱۴۰۲)، «بررسی اهمیت و جایگاه زن در خانواده با تأکید بر دیوان پروین اعتصامی»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۸۱-۱۶۳
- بورديو، پی‌یر (۱۳۹۰)، *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: نقش و نگار.
- بورديو، پی‌یر (۱۴۰۰)، *مسائل جامعه‌شناسی*، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: آس.
- درویشعلی‌زاده، زهرا (۱۴۰۴)، «بررسی کارکرد عادت‌واره‌های بورديو در پادشاهی کی‌کاووس»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره ۴، شماره ۷، صص ۲۱۰-۱۸۷
- رمضان‌پور شویی، ساناز (۱۴۰۰)، سیاست در زندگی روزمره زنان در ایران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی*، به راهنمایی احمد رشیدی، دانشگاه مازندران.
- زارفا، میشل (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی ادبیات داستانی: رمان و واقعیت اجتماعی*، ترجمه نسرین پروینی، تهران: سخن.
- سلیمانی، بلقیس (۱۴۰۳)، *بازی آخر بانو*، چاپ پانزدهم، تهران: قفتوس.
- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۹۸)، *پی‌یر بورديو*، تهران: اختران.
- شرونی، سمیه؛ پارسانسب، محمد (۱۴۰۴)، «خوانش بورديویی داستان بلند توبا از کبری سعیدی»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره ۴، شماره ۸، صص ۱۸۴-۱۶۳
- شویره، کریستین و فونتن، اولیویه (۱۳۸۵)، *واژگان بورديو*، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نی.
- شفیعی، سمیه سادات و حسینی‌فر، سیده زهرا (۱۴۰۳)، «زنان در جامعه پسانقلابی؛ نشانه‌شناسی اجتماعی تصاویر بزرگداشت روز زن در دهه شصت در ایران»، *فصلنامه علمی جامعه‌شناسی فرهنگ*، هنر، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۳۱-۱۱۶
- شهبازی، مهشاد و همکاران (۱۳۹۷)، تحول خودآگاهی در آثار داستان‌نویسان زن ایرانی بر اساس نظریه آلن شوالتز»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۳۰۹-۲۸۵.
- کسرای، محمدسالار و طهماسبی، مریم (۱۳۹۴)، «گفتمان‌های زنان پس از انقلاب اسلامی: گفتمان اصلاح طلبی، گفتمان سنت‌گرایی فقهی»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۲، صص ۱۸۷-۱۶۷.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۹)، *مفاهیم کلیدی پی‌یر بورديو*، ترجمه محمد مهدی لبیبی، تهران: افکار.
- مایلز، رزالیند (۱۳۸۰)، *زنان و رمان*، ترجمه علی آذرنگ، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

مرادی، آرزو (۱۴۰۱)، «رویکردی انتقادی به مقوله زن در ادبیات از سنت تا اکنون»، *پژوهش‌های*

نوین ادبی، دوره اول، شماره اول، صص ۲۸۶-۲۷۱

میرعابدینی، حسن (۱۴۰۰)، *دختران شهرزاد*، تهران: چشمه.

وولف، ویرجینیا (۱۳۸۴)، *اتاقی از آن خود*، ترجمه صفورا نوربخش، چاپ دوم، تهران: نیلوفر.

یینگ، هوی هوانگ (۱۴۰۲)، «بررسی شخصیت زن و اندیشه‌های فمینیسم در رمان زنان بدون مردان

شهرنوش پاریسی‌پو»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره ۲، شماره ۳، صص ۲۵۰-۲۳۵

Title A Sociological Analysis of the Novel Bazi-ye Akhar-e Banoo by Belghis Soleimani: An Examination of the Status of Women within Pierre Bourdieu's Fields

Somaieh Sharooni

١. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. Email: s.sharooni@pgu.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:

Receive:
۰۱/۰۱/۲۰۲۰

Accepte:
۲۸/۰۸/۲۰۲۰

Keyword:

Sociology of
Literature
Pierre Bourdieu
Novel
Bazi-ye Akhar-e
Banoo
Belghis
Soleimani

Certain approaches in the sociology of literature regard the novel as a reflection of everyday life within the literary sphere. Consequently, novels hold significant value in sociological studies of literature. Female authors, in particular, have consistently reflected the conditions of women's lives across different historical periods in their works. Among these authors is Belghis Soleimani, who in her novel Bazi-ye Akhar-e Banoo narrates the life story of a woman across various stages of her life, intertwined with the political and social transformations of society. In this study, based on the theory of Pierre Bourdieu — the prominent French sociologist and critic — the positions of women, the types of capital possessed by female characters, and the fields in which women engage to acquire greater capital are examined. Applying Bourdieu's framework enables a deeper analysis of the underlying layers of the literary text, a study of its social dimensions, and a more scholarly interpretation of the novel. The findings indicate that the most prominent field women enter is the field of knowledge, while the most pervasive field is that of politics. In acquiring capital, women tend to prioritize mutual support and empathetic interactions over competitive behaviors. Furthermore, attaining high levels of cultural capital can lead to the acquisition of symbolic, social, and even economic capital, ultimately enabling a change in one's social class.